

شرق

روزنامه

عزاداری شب سوم محرم در مسجد ارک تهران/ عکس: فاطمه عابدی، ایران



نورنوشت

تلواسه‌های کرونایی

شیشه‌شویی با کت‌وشلوار

روزی به درد من بخورد. فلائی داور فلان جایزه است، بد نیست بدانم من به یادش بوده‌ام. به دیگران کاری ندارم که با چه انگیزه‌ای این کار را می‌کنند اما من هر کار می‌کنم نمی‌توانم خودم را راضی کنم، چون رفتار خودم را از سر اخلاص نمی‌بینم.

● رفتن کمی میوه و سبزی بخرم. پزشکی می‌گفت میوه و سبزیجات مقاومت بدن را در برابر کرونا افزایش می‌دهد. سفارش سبزی دادم و بعد از خرید یکی، دو قلم میوه، سبزی را گرفتم و به خانه برگشتم. موقع پاک‌کردن سبزی، دیدم اصلا سبزی خوبی نیست. احتمالا مال دیروز بوده چون خیلی‌اش پلاسیده بود. تقصیر خودم بود که موقع خرید دقت نکرده بودم. شروع کردم به پاک‌کردن ولی هر چه بیشتر پاک می‌کردم بیشتر عصبانی می‌شدم. از سبزی‌فروش که گفتف سبزی‌اش مانده است و از خودم که دقت نکرده بودم. سبزی که تازه نباشد بعد از شستن بدتر هم می‌شود. از اینکه پولم را دور ریخته بودم و یک ساعت هم وقتم تلف شده بود، حسایی عصبانی بودم. به خودم گفتم تو که بچه نیستی چرا باید چنین بی‌توجهی‌ای بکنی؟ همین‌طور غر می‌زدم و حرص می‌خوردم. بعد یکدفعه به خودم آدمم و گفتم کاری است که شده. همه اشتباه می‌کنند. کوچک و بزرگ هم ندارند. تجربه شد که از این به بعد موقع خرید هر چیزی، دقت کنی. این سه چهار هزار تومان ارزش این



محمود برآبادی

● یکی از کارکردهای شبکه‌های اجتماعی، فرستادن تبریک و تسلیت است. این روزها که مردم وقت بیشتری پیدا کرده‌اند این رفتار تشدید هم شده است. تولد یک نفر که می‌شود اگر گروه بزرگ باشد، همین‌طور تبریک است که پشت سر هم می‌آید. آن‌قدر زیاد که از ردکردن‌شان هم خسته می‌شوی. یا اگر کتابی از نویسنده‌ای منتشر شده یا جایزه‌ای دریافت کرده باشد تا مدت‌ها شادباش و استیکر و کیف است که می‌بارد. من خیلی تمایل به این کار ندارم. حالا تسلیت باز شاید توجیهی داشته باشد اما تبریک نمی‌گویم. مگر چطور بشود. شاید بعضی آن را حمل بر نداشتن رابطه اجتماعی گرم و گیرا بدانند اما راستش خودم در این کار نوعی عدم خلوص می‌بینم. خوب که نگاه می‌کنم و وقتی صادقانه از خودم می‌پرسم پاسخ قانع‌کننده‌ای نمی‌یابم. آیا واقعا تبریک به فلائی برای خوش آمدن اوست یا من نیم‌نگاهی هم به چیزهای دیگر دارم. مثلا اینکه فلائی سرورِ استار فلان ناشر است و یادش باشد که من نویسنده برایش تبریک فرستاده‌ام. فلائی در فلان اداره کار می‌کند و بالاخره ممکن است

پرنده آبی

شکایت از متجاوز

سایدگی، زخم روی بدن قربانی وجود نداشته باشد، با اگر تکه‌های کوچک از پوست یا موی متجاوز زیر ناخن او یافت نشود، قضات به‌ندرت ممکن است وقوع یک رابطه بدون رضایت را قبول کنند. این مشکل به‌ویژه در موردی که بین زن و مرد سابقه رابطه و دوستی وجود داشته باشد یا در جایی که زن به میل خود وارد محیط خصوصی متعلق به مرد شده باشد، به شکل جدی‌تری پیشبرد پرورنده و اثبات جرم را با دشواری مواجه خواهد کرد. همچنین کاوه راد، وکیل دیگر نیز نوشته است: «اثبات جرم تجاوز به عنف در نظام دادرسی ایران، از پیچیدترین پرونده‌های کیفری محسوب می‌شوند. علت عمده آن هم ازاین‌روقتن مدارک و آثار جرم توسط قربانی در همان ساعات اولیه است. اما به برخی متجاوز، عمده‌ترین عامل از بین مدارک جرم است. (دو) قبل از معاینه کامل توسط پزشک قانونی، نباید مدارک و شواهد تجاوز را از بین برد. نباید حمام رفت و دندان‌های خود را مسواک زد. باید لباس‌های خود را با دقت کامل دریاورند و در پلاستیک تمیز در بسته‌ای نگهداری کنند. تمام جزئیات لحظه‌های بعد از وقوع و جزئیات صحنه تجاوز را یادداشت کنند.

سه) در تجاوز سفید، عمدتا میان متجاوز و قربانی، رابطه آشنایی وجود دارد. باید آسامی همه افرادی را که شاهد ملاقات بوده‌اند، به خاطر آورد. اگر مدت کوتاهی قبل از وقوع تجاوز در مکانی غذا خورده‌اند، به سسینما

همه عصبانیت و حرص و جوش را ندارد. بی‌خیال. بعد همه را ریختم توی سطل زباله و انکار نه انکار که اصلا سبزی خریدم. راحت شدم و رفتم سراغ کارهای دیگرم. نباید به خاطر یک اتفاق ناخوشایند تمام روزم را خراب می‌کردم.

● امروز جمعه است و روز تمیزکاری. گرد و خاک هوای تهران تا غافل می‌شوی همه خانه را به گند می‌کشد. کلاهی سرم می‌گذارم. آستین‌ها را بالا می‌زنم. شیشه‌شوی و دو تا دستمال برمی‌دارم و می‌روم سرفوت پنجره‌ها. این نم بارانی هم که دیشب آمده، حسایی پنجره‌ها را اکثف کرده. چهارپایه را می‌گذارم و شروع می‌کنم به پاک‌کردن شیشه‌ها. عرق از سر و رویم می‌ریزد ولی انصافا خوب تمیز می‌شود. خانمی که بعدا می‌فهمم همسایه جدید است، از داخل حیاط نگاهم می‌کند. بی‌اعتنا با حرارت به‌کارم ادامه می‌دهم و سراع پنجره دوم می‌روم که از اولی هم کنیفت‌تر است. خانم می‌گوید: «خسته نباشی». برایش سری تکان می‌دهم. می‌گوید: «آقا میشه یک روز هم بیای خونه ما؟خیلی کارت تمیز است». می‌گویم: «باید اجازه بگیرم». می‌گوید: «پس خبرش را به من بده. ما همین طبقه اول می‌نشینیم». وقتی برای خانم ماجرا را تعریف می‌کنم می‌گوید: صددفعه گفتم به سر و وضعت برس». می‌گویم: «باشه. این دفعه که خواستم شیشه پاک کنم، کت و شلوار می‌پوشم».

دغدغه‌های طبیعیانه

ابن سینای ماسک‌زده



عبدالرضا ناصر مقدسی متخصص مغز و اعصاب

اول شه‌ریور زادروز ابن‌سینا، اولین روز پزشک در جهان کرونازده بود. اولین روز پزشکی که شاید به جای قدردانی از این کادر زحمتکش، باید به سوگ عزیزیانی بنشینیم که دیگر بین ما نیستند؛ عزیزیانی اعم از پزشک و پرستار و دیگر زحمتکشان کادر درمان که جان خود را در راه حفاظت از جان دیگران گذاشتند و رفتند. همیشه در اول شه‌ریور شبکه‌های مجازی پر از تبریک می‌شود. درعین‌حال متذکر می‌شوند که این قشر در جامعه ما بارها مورد اهانت قرار گرفته است. تعرفه‌های ویزیت بسیار پایین است و دیگر موارد مشابه. امسال هم همین‌ها تکرار شد؛ اما در نزد جامعه پزشکی شاید دیگر این تکرار معنایی نداشته باشد. فقط درخواست دارند که مردم در حفظ سلامت خود کوشا باشند، همین. ماسک بزنند، فاصله‌گذاری اجتماعی را رعایت کنند و در تجمعات شرکت نکنند تا هم جان خود را حفظ کنند، هم پیش‌ازاین کادر درمان را خسته، فرسوده و غمزه‌ده از مرگ همکاران‌شان نکنند. چند روز پیش عکسی دیدم که عده‌ای از پزشکان را بر سر مزار ابوعلی‌سینا نشان می‌داد. همه ماسک زده بودند. حتی مجسمه ابن‌سینا هم ماسک زده بود. بیانی نمادین از وضعیتی که در آن به سر می‌بریم و کار درستی که باید انجام دهیم. برای من ابوعلی‌سینا اسطوره‌ای در پزشکی است. گستردگی سواد، تحر فوق‌العاده در درمان و سختکوشی بسیار عجیب و مثال‌زدنی همه‌ومه از او اسطوره‌ای یگانه در عالم پزشکی ساخته است. کافی است به حجم آثاری که در زندگی نسبتا کوتاه خود نوشته است، نگاه کنید؛ آثاری که نه‌تنها بسیاری از رشته‌های زمان خود را پوشش می‌دهند؛ بلکه مانند کتاب قانون در طب یا الهیات شفا به‌عنوان مرجعی کامل برای قرن‌ها در دو رشته طب و فلسفه استفاده شده‌اند؛ اما این‌همه کار در سایه زندگی آسانی اتفاق نیفتاد. با اینکه گاه وزیر بود و گاه مورد مرحمت فلان سلطان، اما زندگی او فرازونشیب‌های زیادی داشت. با وجود همه اینها با



روزگار کرونایی

مدرسه جایگزین ندارد

میترا امام

بسیار متفاوت است. با فرمان رهبری تمام کودکان باید در مدارس ثبت‌نام شوند؛ اما هستند کودکانی که اصلا امکان و اجازه حضور در مدرسه را پیدا نمی‌کنند؛ دانش‌آموزانی که برکه هویت ندارند. چرا همه کودکان موفق نمی‌شوند به مدرسه بروند؟

عوامل زیادی به این مسئله دامن می‌زنند؛ تفریح، فعالیت‌های جمعی و دوست‌یابی و پذیرش دوستان همه گواه روشنی برای حضور کودک در مدرسه است. آمارها افزایش خشونت‌های خانگی برائز تعطیلی مدارس را نشان می‌دهد؛ همچنین مادران کارمند مجبورند دانش‌آموز را در خانه تنها بگذارند.

مدرسه‌رفتن حق همه کودکان است و آموزش آنلاین نمی‌تواند جایگزین مناسبی باشد. سال گذشته با بحران کرونا مواجه شدیم و شاید تنها گزینه آموزش آنلاین بود؛ ولی امسال به مسئله کرونا واقفیم و چگونگی مقابله با آن را آموخته‌ایم؛ بنابراین تمامی مستندات و پیام‌های تهدید و اخاذی پدرفтары با ضمن بررسی دقیق میزان جرات، جمع‌آوری و در چند نسخه کپی و نگهداری کرد.

پنج) تصویر، صوت و تمامی مدارک الکترونیک ازجمله لاک تماس، پیامک، ایپیل، اینستاگرام، تلگرام، توییتر، فیس‌بوک و... از جمله دلایل اثبات ادعا محسوب می‌شوند؛ بنابراین تمامی مستندات و پیام‌های تهدید و اخاذی پدرفтары با ضمن بررسی دقیق میزان جرات، جمع‌آوری و در چند نسخه کپی و نگهداری کرد.

شش) در صورت تمایل می‌توان در مراجعه اولیه به کلانتری، از افسر قضائی، تقاضا کرد تحقیقات مقدماتی در کلانتری توسط افسر زن و با حفظ محرمانگی صورت گیرد. همه واحدهای کلانتری و پلیس آگاهی، موظف‌اند از نیروی کافی پلیس زن برای ارائه خدمات انتظامی به بانوان استفاده کنند. در صورت عدم همکاری کلانتری در معرفی پلیس زن، می‌توان به ۱۹۷ شکایت کرد. هفت) مرتکبان تجاوز عموما ویژگی‌های شخصیتی مشترکی دارند: مهارت‌های اجتماعی و ارتباطی پایین، برانگیختگی هیجانی، فرار از مسئولیت، علاقه به خشونت و پدرفтары با حیوانات، سابقه خشونت و تحقیر افراد زیردست و کارمندان و رفتارهای پرخطر در هنگام مصرف الکل و مواد مخدر. فراموش نکنیم این اطلاعات را باید در آراش دریافت کرد و دانست تا اگر کسی در چنین شرایطی قرار گرفت، آمادگی ذهنی وجود داشته باشد؛ مثل مواقع زلزله تا از شدت آسیب کم شود.

مدرسه‌رفتن حق همه کودکان است و آموزش آنلاین نمی‌تواند جایگزین مناسبی باشد. سال گذشته با بحران کرونا مواجه شدیم و شاید تنها گزینه آموزش آنلاین بود؛ ولی امسال به مسئله کرونا واقفیم و چگونگی مقابله با آن را آموخته‌ایم؛ بنابراین تمامی مستندات و پیام‌های تهدید و اخاذی پدرفтары با ضمن بررسی دقیق میزان جرات، جمع‌آوری و در چند نسخه کپی و نگهداری کرد.

مدرسه‌رفتن حق همه کودکان است و آموزش آنلاین نمی‌تواند جایگزین مناسبی باشد. سال گذشته با بحران کرونا مواجه شدیم و شاید تنها گزینه آموزش آنلاین بود؛ ولی امسال به مسئله کرونا واقفیم و چگونگی مقابله با آن را آموخته‌ایم؛ بنابراین تمامی مستندات و پیام‌های تهدید و اخاذی پدرفтары با ضمن بررسی دقیق میزان جرات، جمع‌آوری و در چند نسخه کپی و نگهداری کرد.

سلام به فردا

تا کی باید برای برگشتن به زندگی عادی صبر کنیم؟



سامان توکلی

روان‌پزشک

● وضعیت خسته‌کننده شده... آدم‌ها کلافه... مردم منتظرند که زودتر به وضع زندگی سابق برگردند؛ شغل و سرگرمی‌ها و معاشرت‌های سابق. دولت‌مردان هم منتظرند – و گاهی کم‌صبر – برای اینکه به وضع سابق برگردند و چرخ اقتصاد بچرخد و... . انتظار را نمی‌توان طولانی تحمل کرد؛ سیاست «صبر و امید و انتظار» تا جایی جواب می‌دهد. طولانی که شد و نامعلوم، آدم کلافه می‌شود. دوست دارد انکار کند، دوست دارد فکر کند شرایط عادی شده است و باید زندگی عادی را از سر بگیرد. دوست دارد بگوید «باید باد بگیریم با کروناویروس زندگی کنیم» و منظورش ازسرگرفتن روال زندگی سابق است.

اما... کروناویروس اهل هم‌زیستی سالم‌ت‌آمیز نیست. با این سبک، با کرونا نمی‌شود زندگی کرد. با کرونا می‌شود مُرد و میرانند. «باید باد بگیریم از کرونا نمیریم و دیگران را به کشتن ندهیم». «صبر و امید و انتظار» راهبرد مناسبی برای زندگی در زمانه کروناویروس نیست. چون نمی‌دانیم تا کی همین وضعیت ادامه دارد. نمی‌دانیم بعد از چه زمانی اوضاع چگونه خواهد شد. هنوز نمی‌دانیم که آیا روزی سبک زندگی فردی و اجتماعی‌مان می‌تواند مثل سابق بشود؟ اما می‌دانیم که اگر بشود هم به این زودی‌ها نیست. نباید به خودمان امید و وعده غیرواقعی بدهیم. چندماه‌ای از شروع این همه‌گیری گذشته و در خوش‌بینانه‌ترین حالت هنوز خیلی تا پایان آن باقی مانده است. ماه‌ها و شاید بیش از آن... شاید ترجیح بدهیم شرایط را مثل وقتی ببینیم که در خیابان قدم می‌زنیم و رگبار تند بهاری مجبورمان می‌کند چند دقیقه‌ای زیر سایلانی بایستیم تا رگبار تمام شود و مسیر قبلی‌مان را ادامه بدهیم. اما شرایط دنیا شبیه آن رگبار نیست. شاید بعد از مدت‌ها انتظار هم همه چیز مثل قبل نباشد و شاید این رگبار خیلی طولانی شود.

«صبر و امید و انتظار» خستگی و کسالت و کلافگی می‌آورد. اگر این شرایط طولانی بشود و ندانی ست کی ادامه دارد. اگر از مردم عادی باشی، یک‌جوری از جایی سعی می‌کنی شرایط را انکار کنی و معاشرت‌ها و سبک شغلی قبلی و تفریحات را از سر بگیري، بی‌آنکه شرایط واقعا امن شده باشد. بیرون‌رفتن‌ها و سفررفتن‌ها و شرکت در عروسی و عزرا، کلاس و امتحان را از سر می‌گیریم؛ نه چون شرایط امن شده است، چون بیش از این صبر نداریم. اگر از دولت‌مردان هم باشی، دلت می‌خواهد به همان روال آشنای سابق برای چرخیدن و چرخاندن چرخ اقتصاد برگردی و با هر آرامش موقتی سرخوش شوی که همه‌گیری را کنترل کرده‌ای و مزه بازگشایی مشاغل و ادارات و تجمعات را بدهی... درپیش‌گرفتن «سیاست صبر و انتظار» و تجربه‌کردن بی‌صبی برای بازگشت به وضع سابق کارساز نیست. چه از دولت‌مردان باشیم و چه از مردم عادی، کاری که باید بکنیم این نیست که صبر کنیم و منتظر پایان این شرایط باشیم تا زندگی سابقمان را از سر بگیریم. کاری که نیاز داریم این نیست که دنبال راه‌حل‌هایی باشیم تا «در این دوره» افسرده نشویم. کارمان این نیست که فکر کنیم و بگوییم: «صبر کن، اوضاع عادی می‌شود».

چیزی که به آن نیاز داریم «خلاقیت و ابتکار» است.

شرایط عوض شده است و حداقل تا زمانی که نمی‌دانیم کی است –ولی می‌دانیم که زود نیست– نمی‌توانیم به سبک قبلی زندگی و آموزش و معاشرت و امتحان و برگزاری مراسم تقدیر و معارفه و وداع بچسبیم. نمی‌توانیم به زور و با تحمیل خطر به خود و دیگران همان رویه‌ها را اجرا کنیم. همچنین، نمی‌توانیم منتظر ممانیم و هربار سرخورده و درمانده بشویم. باید برای شرایط جدید سبک‌های جدیدی را «خلق کنیم». نیاز به «ابتکار» داریم تا برای مواردی مانند اینها راه‌حل‌های جدیدی «خلق» کنیم:

- در این شرایط شغلمان را چطور باید تغییر بدهیم؟ در شرایطی که وضع اقتصادی بسیاری خانواده‌ها خوب نیست، چه کار باید کرد تا هم سرفه‌شان از نان خالی نشود و هم قربانی یا عامل گسترش بیماری نباشند؟

- روابط بین‌فرمانی بعد از این‌ چطور باید باشد؟

- برای ایزوله‌شدن فرزندان‌مان و جدافتادن‌شان از همه‌سالان چه کنیم تا محرومیت از روابط اجتماعی خللی در رشد ذهنی و شخصیتی آنان ایجاد نکند؟

- برای اداره‌کردن کشور و گرداندن چرخ اقتصاد چه روش‌های جدیدی باید «خلق کرد»؟ تا زمانی که نمی‌دانیم کی است، برای زندگی در زمانه کروناویروس و شکست‌نخوردن در برابر آن، نیاز به «درانداختن طرحی نو» داریم... شیوه‌های آشنای قبلی پاسخ نخواهد داد و انتظار برای بازگشت به عین آنها هم واقع‌بینانه نیست. باید «خلاقیت و ابتکار» را به کار بگیریم. از نمونه‌های گذشته هم استفاده کنیم تا شرایط زیست نوین‌مان را در زمانه جدید ترسیم کنیم. باید راه‌های جدید زیستن را خلق کنیم.